



## فهم، نقد و تحلیل ادعا و دلیل مدعیان و مخالفان علم دینی

باید علم دینی‌ای ساخته و پرداخته کرد که مبتنی بر نظریه دینی باشد و برای این منظور باید نظریه‌ای ارائه کرد که از لحاظ نظری یا روشی و اعتقادی نظریه کاملی باشد.

باید علم دینی‌ای ساخته و پرداخته کرد که مبتنی بر نظریه دینی باشد و برای این منظور باید نظریه‌ای ارائه کرد که از لحاظ نظری یا روشی و اعتقادی نظریه کاملی باشد.

به گزارش خبرنگار مهر، کتاب فلسفه علم و علم دینی با تأکید بر آیات مرتبط قرآن تألیف مجید کافی به همت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۹۵ منتشر شد.

مقدمه، فصل اول: چیستی علم، فصل دوم: پارادایم‌های علمی، فصل سوم: معرفت‌شناسی علوم، فصل چهارم: پارادایم اسلامی علوم، فصل پنجم: رویکردهای علم دینی، فصل ششم: نظریه پردازی گامی به سوی تحول علوم؛ رویکرد تحولی علم عناوین بخش‌های مختلف این اثر است.

ارزیابی و موضع‌گیری عالمانه در قبال ایده علم دینی مترتب بر فهم معنا و رویکردهای علم دینی و دلایل موافقان و مخالفان است. از این رو پرسش تحقیق در مورد محل نزاع در علم دینی است. رویکرد غالب بر این جستار فلسفی، از نوع فلسفه‌های مضاف و درجه دوم (فلسفه علم) است. به عبارت رساتر برای فهم بهتر، نقد و تحلیل علم دینی شایسته است به وجودشناسی علم دینی (اثبات موضوع علم دینی)، معرفت‌شناسی علم دینی (بررسی فرآورده‌های علوم دینی) و روش‌شناسی علم دینی (بررسی فرآیند شکل‌گیری علم دینی) از منظر مدعیان آن توجه شود.

هدف این اثر فهم، نقد و تحلیل ادعا و دلیل مدعیان و مخالفان علم دینی است. نویسنده در این جستار بر آن هست که ایده علم دینی را با نگرش‌های موجود در فلسفه علم مورد کنکاش قرار دهد و در پایان هر بحثی نظر قرآن را درباره آن مورد جویا شود.

نتیجه تحقیق این است که علم هویتی تاریخی و جمعی دارد. تولید علم امری آگاهانه و برنامه‌ریزی شده نمی‌تواند باشد، اما نظریه پردازی می‌تواند امری فردی، آگاهانه و با برنامه باشد. در نتیجه طرح نظریه پردازی دینی در پرتو پارادایم اسلامی علوم از طرح علم دینی، درست‌تر، دقیق‌تر و اجرایی‌تر به نظر می‌رسد.

در ادامه مروری خواهیم داشت بر خلاصه فصول این اثر:

در مقدمه این اثر نویسنده پس از بررسی ضعف‌های علوم پوزیتیویستی از جمله تفسیر مادی جهان، نادیده گرفتن عوامل غیرمادی تأثیرگذار در طبیعت، عرفی شدن، نسنجیدن واقعیت اجتماعی جوامع اسلامی، تعارض با فرهنگ جامعه به این نتیجه رسید که راه برون رفت از آنها حرکت به سوی تولید علوم دینی یا بازسازی علوم موجود براساس فرهنگ جامعه (بومی سازی) است.

اما ارزیابی و موضع‌گیری عالمانه در قبال ایده علم بومی و به خصوص علم دینی، مترتب بر فهم معانی علم، پارادایم‌های علمی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی علم دینی، معنا و رویکردهای علم دینی و دلایل موافقان و مخالفان و در یک کلام، بحثی مستوفی در فلسفه علم دینی است. از این رو شایسته است، برای اینکه بتوانیم یک موضع‌گیری و ارزیابی عالمانه نسبت به علم دینی داشته باشیم، از منظر فلسفه علم به دیدگاه موافقان و مخالفان و موضوع‌های اساسی علم دینی نگاهی انداخته شود، تا ضمن شناخت دقیق محل نزاع در بحث علم دینی بتوانیم ارزش گذاری دقیق و علمی از آن ارائه کنیم.

در ادامه به مباحث مقدماتی در مورد فلسفه علم در اندیشه غربی و اسلامی، مسائل فلسفه علم، رابطه علم و دین و نسبت آن با علم دینی پرداخته شده است. در بخش دوم فصل مراد و منظور از مفاهیم پرکاربرد در این اثر از جمله دین، معرفت، رشته علمی، فلسفه، علم، علوم تجربی، فلسفه علم، پارادایم، نظریه و نظریه پرداز بیان شد.

فصل اول: چیستی علم

در ابتدای فصل، معانی دینی، منطقی و فلسفی علم کاویده شد که در مجموع پنج معنا برای علم حاصل شد که مباحث فلسفه علم و علم دینی ناظر به دو معنای رشته علمی و علوم تجربی دینی است. به همین دلیل، پس از بررسی شرایط پنج گانه رشته های علمی به بررسی شرایط شش گانه خاص علوم تجربی دینی اهتمام شد. این بخش در صدد مقدمه چینی برای پاسخ به این پرسش بود که آیا با وجود شرایط یازده گانه علوم تجربی که پاره ای از آنها در تقابل با آموزه های دینی است، دینی شدن آنها ممکن است؟

دومین بحث در این فصل در باب انواع علوم تجربی، ویژگی ها و کارکردهای آن و مقایسه آن با علوم انسانی و بیان ویژگی های علوم انسانی طرح شد و آخرین مطلب این فصل در مورد ساختار علم و نظریه های پیشرفت علم براساس دیدگاه کوهن و لاکاتوش تنظیم شد.

نتیجه اینکه این مباحث مقدماتی را برای فهم درست ایده علم دینی و توان نقادی عالمانه آن برای مخاطب فراهم می کند و همچنین پرسش هایی را در مورد معنای علم در اصطلاح علم دینی، ساختار علم دینی و معنای پیشرفت علم دینی در مقابل مدعیان امکان علم دینی قرار می دهد که به آنها پاسخ درخور و شایسته داده نشود، نمی تواند ادعای خود را علمی تلقی کنند.

افزون بر نتیجه قبل، این نتیجه هم مورد انتظار است که به طور صریح هم مدعیان و هم مخالفان علم دینی بیان کنند که محل نزاع و چالش در امکان علم دینی، کدام معنای علم است. در صورت رد ساینس دینی از طرف مخالفان علم دینی و اثبات دیسیپلین دینی از طرف موافقان علم دینی، در واقع نزاع و چالشی وجود ندارد.

#### فصل دوم: پارادایم های علمی

همه علوم و تمام نظریه های علمی مبتنی بر پیش فرض های متافیزیکی هستند که بخشی از آنها از اندیشه های فلسفی و بخشی از آنها سنت های دینی سرچشمه می گیرند. بنابراین پاره ای از آموزه ها و تعالیم دینی بخشی از پیش فرض های علوم را تشکیل می دهند.

علوم انسانی ذیل سه پارادایم اثبات گرایی، تفسیری و انتقادی به فعالیت خود ادامه می دهند. این پارادایم ها اگرچه همگرایی هایی با هم دارند، ولی واگرایی هایشان چشمگیرتر است.

الف) همه داده های علمی به پارادایم وابسته است، اما داده هایی وجود دارند که طرفداران پارادایم رقیب می توانند درباره آنها توافق داشته باشند. ب) پارادایم ها در برابر ابطال پذیری از راه داده ها مقاومت می کنند، اما تجمع داده ها بر مقبولیت یک پارادایم تأثیرگذار است. ج) قانون مشخصی برای گزینش پارادایم وجود ندارد، اما معیارهای مشترکی برای دآوری جهت ارزیابی پارادایم ها وجود دارند.

#### فصل سوم: معرفت شناسی علوم

این فصل با این پرسش شروع شد که چطور آنچه را می دانیم، می دانیم؟ چگونه واقعیت طبیعی و اجتماعی می تواند شناخته شود؟ در مقابل پرسش اول تعریف معرفت و نظریه های توجیه و در مقابل پرسش دوم نظریه های صدق پیش کشیده شد. به عبارت دیگر برای پاسخ دادن به دو پرسش فوق نخست تئوری معرفت بیان شد. سپس با تعریف معرفت به باور صدق موجه، به بررسی نظریه های توجیه و صدق پرداخته شد. میناگرایی معرفتی شامل میناگرایان سنتی (تجربه گرایان، عقل گرایان و ترکیبی ها) و میناگرایان معاصر است. در ادامه به مفهوم و نظریه صدق پرداخته شد. در بخش نظریه های صدق، پنج نظریه مطابقت، انسجام، عمل گرایی اجماع عام و پدیدارشناسی بررسی شد.

#### فصل چهارم: پارادایم اسلامی علوم

نویسنده در این فصل از جستار درصدد بوده که مفروضات و پیش فرض های هستی شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی و روش شناختی علم دینی را بر فرض امکان براساس متون دینی تدوین کند. براساس این هدف سوال این بخش از تحقیق را این گونه طرح کرد که پارادایم علم دینی، چگونه پارادایمی است؟ در این فصل به مدلی برای پیش فرض های علوم انسانی اسلامی دست یافت. در این الگو عوامل پارادایم علوم انسانی از منظر آیات در دو بعد ارائه شد: نخست در مورد جهان بینی است که شامل مؤلفه ها و مفروضات هستی شناختی و انسان شناختی بود و بعد دوم

فرانزیه است که در مؤلفه ها و مفروضات معرفت شناختی و روش شناختی را در برداشت. بنابراین پارادایم (دیدگاه نظری) عبارت است از: بعد جهان بینی که شامل دو مؤلفه هستی شناسی و انسان شناسی است و بعد فرانزیه که این نیز دارای دو مؤلفه معرفت شناسی و روش شناسی است.

#### فصل پنجم: رویکردهای علم دینی

باید علم دینی ای ساخته و پرداخته کرد که مبتنی بر نظریه دینی باشد و برای این منظور باید نظریه ای ارائه کرد که از لحاظ نظری یا روشی و اعتقادی نظریه کاملی باشد. علم دینی مبتنی بر کشف فرضیه ها از متون دینی و داشتن یک چارچوب تئوریک متافیزیکی یا حذف تندوتیزی های اثبات گرایی از علم سکولار، یا &hellip; نمی تواند جایگزین نظریه های موجود در علوم مختلف به طور عام و در جامعه شناسی به طور خاص شود. چرا که این مساعی ها یا سبب ناقص شدن علوم سکولار می شود و هیچ جایگزین کاملی نیز ارائه نمی گردد و یا تغییر انجام شده در علم سکولار هیچ ثمره علمی و مفیدی به همراه ندارد. روش های علم سکولار در مقام کشف عام هستند و شامل گزاره های کتاب و سنت نیز می شوند و منحصر شدن مقام کشف به گزاره های کتاب و سنت در پاره ای از رویکردهای علم دینی، ثمره چندانی ندارد.

بیشتر رویکردهایی که تاکنون در زمینه تولید علم کار کرده اند بیشتر هم و تلاش خود را مصروف تولید داده ها در علوم مختلف در پرتو تئوری های علم سکولار کرده اند. آنچه که در مورد تراکم داده ها، می توان با توجه به توسعه علوم دیگر دست به ترکیب آنها برای دست یافتن به یک علم جدید دست زد.

#### فصل ششم: نظریه پردازی دینی، گامی به سوی تحول علوم

نقش قرآن در زندگی انسان، هدایت گری است. تحقق هدایت انسان نیز به تلاش او برای اصلاح گرایی است. اصلاح گرایی انسان مبتنی بر شناخت طبیعت و جامعه است که برای این منظور قرآن بر راه های تعقل و اختیار (تجربه) تأکید کرده است. به عبارت دیگر اصلاح گرایی انسان نیازمند علوم و نظریه های خاص است. تحقق نقش هدایتگری قرآن و انجام تکالیف اصلاح گرایی انسان بر شناخت جهان، معرفی راه های شناخت و شکل گیری علوم مبتنی است.

هر علمی در زیر چتر یک پارادایم شکل می گیرد. هر علمی در یک زمینه و بافت معرفتی و فرهنگی و به طور کلی یک جهان بینی شکل می گیرد. این بافت شامل یکسری اصول و قواعد در باب جهان، انسان، ارزش ها، روش ها و معرفت است. قرآن به طور یقین جهان بینی و پارادایم خاص خود را ارائه کرده است که شامل میانی هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی است.

هر علمی از سه جز اساسی نظریه ها و تئوری ها؛ روش ها و تکنیک ها و محتوا و داده ها تشکیل شده است. بدون شک قرآن به لحاظ محتوایی و داده ها می توانند هر علمی را فریه و غنی کند، اما باید توجه داشت که اسلامی کردن علوم با فریه کردن آنها با گزاره های کتاب و سنت محقق نمی شود، بلکه با تولید و ارائه نظریه های به دست آمده از کتاب و سنت، می توان علوم جدید را فریه و متحول یا علوم موجود را بازسازی کرد.